حیرت از خوش باوری...

عاصمی، محمد

زاهدان و...

چرا نمی‏گذارید،نمی‏گذارند،فریاد مردمی که دارند در زیر بار مشکلات و هزینه‏های سرسام‏آور زندگی له می‏شوند به گوش رهبر معظم انقلاب دام تاییده برسد تا به شیوه‏ی جدش علی(ع)مطابق‏ قرآن با آنان رفتار کند.چرا باید بر فساد اداری با دادن ارقام و آمار صوری و بعضا با تایید بازرسینی رشوه‏خوار،سرپوش گذاشته شود؟ نظام اداری ایران امروز به خانه‏تکانی احتیاج دارد و این‏گفته‏ی مرا هر ایرانی مسلمانی که دوستدار اسلام و ایران است،تایید می‏کند.

به خدا قسم قصدم تشویش اذهان عمومی نیست و به قول امام‏ راحل(ره)ما این انقلاب را ان به دست نیاوردیم که آن را آسان از دست بدهیم.اما نمی‏توانم مثل خیلی‏ها به سادگی از کنار این دردها بگذرم.من نمی‏دانم چه گناهی مرتکب شده‏ایم که شب و روز باید در عزا به سر ببریم و چرا باید تقویم ما تقویم ایام شهادت باشد،چرا روزهایی را تحت عنوان جشن در آن ثبت نکنیم تا احساسات مردم به‏ عقده تبدیل نشود.نه اشتباه نکنید من طرفدار اسلام امریکایی‏ نیستم.اما جشن‏های ولادت ائمه اطهار علیهم السلام بیش‏تر به عزا شبیه است تا جشن.

روحانی که ماشین آن‏چنانی می‏نشیند و خانه‏ی این چنین، جسمانی‏ست و باید خلع لباس شود.مگر از یاد برده‏ایم که امام راحل‏ به کرّات می‏فرمودند ما برای خدمت به مردم آمده‏ایم نه حکومت. پس چه شد!چرا عده‏یی که تعدادشان هم کم نیست،بی‏آن‏که کسی‏ با آن‏ها برخورد کند،دید مردم را نسبت به اسلام و روحانیت کدر و غیر شفاف کرده‏اند.طرح سهمیه بندی آقای احمدی نژاد طرح‏ خوبی‏ست،اما در نهایت به ضرر مردم مستضعف تمام می‏شود. مردمی که زیر بار تورم همه جانبه‏یی که دولت در ظاهر و با شعار در حال مبارزه با آن است؛گیر کرده‏اند.مردم مستضعفی که نه ماشین‏ دارند و نه شغل و نه خانه.

آقای احمدی‏نژاد معتقد است که صرفه‏جویی بنزین از بعد از اجرای طرح،چندین میلیون دلار به نفع کشور بوده که اگر آماری که‏ کارشناسان و سلسله مراتب به دست ایشان رسانده‏اند،کذب نباشد باید به عرض رساند ما همین هزینه را به شکل یک هواپیما به خاطر حمایت نوری‏المالکی در نشست ایران با مسوولین امریکایی،به‏ بهانه‏ی سفر بخشیدیم.و این سخت‏گرفتن به مردم با نام هزینه‏ی‏ صرفه‏جوی در اختیار بیش‏تر کشورها و حزب‏های منفور جهانی قرار خواهد گرفت.

تمام این حرف‏ها را زدم تا بگویم که این راهی که در پیش‏ گرفته‏ایم به قول مولانای بزرگ راه ترکستان است.و دیر یا زود باید تمام این مسیر را به آن حالت که دوست نداریم،برگردیم.چون‏ خلفای عباسی به اسم دین سر دین را نشکنیم و ایران را به یک زندان‏ بزرگ تبدیل نکنیم.

نه دنیا به کس وفا کرده و نه کسی عمر جاویدان خواهد داشت و دیر یا زود همه باید در برابر خدای خود پاسخگوی اعمال‏مان باشیم. پس کاری کنیم تا رسالت‏مان رسالت باران باشد.امروز چشم جهانیان‏ به ما دوخته شده و زیر ذره‏بین جهان هستیم.بگذارید لااقل یک شب‏گویندگان خبر جهان،نام ایران را بر زبان نیاورند.من به شما اطمینان‏ می‏دهم که مردم ما با این همه مشکلاتی که دارند در آرامش و خوشی هم قادر به قیام و انقلاب دیگری نیستند.بیایید همه برای‏ آبادی ایران لااقل دیدگاهی چون کورش کبیر داشته باشیم که وصیت‏ نمود:بعد از مرگش او را در تابوت سنگی قرار ندهند تا خاک تنش‏ جذب ایران شود.همه چون او به فکر سربلندی ایران عزیز باشیم و فقط به شعار اکتفا نکنیم.به امید روزی که قلم اسیر سیاست نباشد.

حیرت از خوش‏باوری

دکتر محمد عاصمی‏ مدیر و سردبیر فصلنامه‏ی کاوه-آلمان

«28 مرداد 1386/19 اوت 2007

..روزگاری‏ست که ما را نگران می‏داری.در خدمت‏ دوستان تحریریه،خبر توقیف مجله‏ی پربار حافظ را شنیده بودیم‏ و تعجب هم نکردیم ولی از خوش‏باوری و خوش‏خیالی استاد دانایی چون شما حیرت کردیم که این جماعت را خوب‏ می‏شناسید و آن‏گاه انتظار معجزه...دارید.این‏ها خود«حافظ» راه هم اگر زنده بود،پوست می‏کندند...

شعرهای پر احساس‏تان را شنیدم و بنده از هیجانی که در بیان نام مادر داشته‏اید،اشک به دیده آوردم...

با بوسه‏های مهر م.ع.